



نقش دولتها و نهضت بین‌المللی تعاون در ایجاد محیط حمایتی

Ingrid fischer •

• ترجمه: اصغر بیات

اشاره

«توسعه تعاونی در مواجهه با کمبود منابع و نبرد به هنگام فراوانی، کامیاب بوده است»

مشاهدات ما حاکی از تغییر نقش دولت، مؤسسات مالی بین‌المللی، حامیان و اعطا کنندگان کمک و سازمانهای مسؤول توسعه تعاونی، در اقتصاد در حال تغییر کنونی می‌باشد. اثرات ناشی از تغییرات اقتصادی اروپای شرقی و کشورهای آسیایی در اوایل دهه ۹۰ با پیامدهای ناشی از عصر انفجار اطلاعات، همزمان شد. در حالی که این دولتها با کسری بودجه دست و پنجه نرم می‌کردند؛ جمعیت نسبتاً با سواد آنها تحت

بمباران اطلاعات و فرصتهای بوجود آمده توسط رسانه‌های گروهی و اینترنت بودند. اقتصادهای در حال گذار، تحت فشار شدید شهروندان برای تغییرات سریع قرار دارند که منابع تحت نظر دولت از عهده این کار بر نمی‌آیند.

نه تنها آنها (منابع دولتی) از عمده تغییرات مترقی بر نمی‌آیند، بلکه در بسیاری از موارد با کمبود یا فقدان حمایت‌های زیربنایی و اجتماعی روبرو هستیم. علی‌رغم عکس‌العمل علیه تعاونیها به عنوان ابزاری در دست دولتها، تعاونیهای نسل جدید اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA) به وجود آمده‌اند تا خلاء ناشی از

فعالیت‌های دولتی و خصوصی در زمینه اشتغال و توزیع کالاها و خدمات را پر نمایند. در عین حال، مؤسسات مالی بین‌المللی و اعطا کنندگان کمک که نگاه و توجه ویژه‌ای به مسأله کاهش فقر دارند، علاقه شدیدی به تعاونیها نشان می‌دهند. این پژوهش در پی آن است که از اثرات توأم این عوامل در کشور مغولستان به طور اخص و در سایر کشورهای با اقتصاد در حال گذار به طور اعم، آگاه شود.

اتحادیه بین‌المللی تعاون از سال ۱۹۹۰ پنج جلسه گفتگو در سطوح بالا و در ارتباط با قانون‌گذاری و سیاستهای مداخله‌گرایانه در تعاونیها را بین وزرای تعاون منطقه آسیا برگزار نموده است. یکی از بزرگترین پیشرفت‌ها در کنفرانس وزرای تعاون سال ۱۹۹۹ در پکن که مورد حمایت اتحادیه تعاونیهای کانادا و توسعه بین‌المللی دزاردین^۱ بود، در قطعنامه مشترک پکن به شرح ذیل، انعکاس یافت:

* تعاونیها تا هنگامی که به ماهیت اصلی خود یعنی خودگردانی و محوریت اعضا توجه دارند و به ارزشها و اصول خود (استقلال و خوداتکایی) پای‌بند هستند، مشارکت خوبی در ایجاد جامعه سالم خواهند داشت.

* هنگامی که تواناییهای بالقوه تعاونیها به درستی پی خواهند برد که هویت مستقل آنها توسط قانون به رسمیت شناخته شود (هویت قانونی) * تعاونیها هنگامی که اهداف شان نایل خواهند شد که آنچنان که هستند و آنچه را می‌توانند انجام دهند، به خوبی مورد شناسایی قرار گرفته باشد. (شناخت)

* تعاونیها در صورتی همانند سایر نگاه‌های اقتصادی به موفقیت دست خواهند یافت که اجازه یابند در موفقیت برابر با آنها فعالیت نمایند (شرایط عادلانه)

* دولت باید حد و مرزهای قانونی را تعیین کند، اما تعاونیها می‌توانند فعالیت خود را با قانون تطبیق دهند

کشورها	کانادا	ویتنام	چین	مغولستان
پیدایش تعاونیهای اولیه	اوایل دهه ۱۹۰۰	۱۹۵۵	اوایل دهه ۱۹۳۰	اوایل دهه ۱۹۲۰
قانون تعاون	دارای قانون ملی تعاون و نیز ۱۰ قانون تعاون ایالتی و ۱۰ قانون اتحادیه تعاونیهای اعتبار	قانون ملی تعاونیهای کشاورزی که در سال ۱۹۹۶ وضع شده است. فاقد قانون اتحادیه تعاونیهای اعتبار	فاقد قانون تعاون	دارای قانون تعاون مصوب ۱۹۹۶ و قانون جداگانه‌ای برای اتحادیه‌های اعتباری وجود ندارد
فعالیت‌های اعتباری و پسرانداز مجاز در تعاونیها چندمنظوره	مجاز نیست. فعالیت‌های اعتباری و پسرانداز تحت قانون کلی جداگانه‌ای مجاز است.	ابهام قانونی	فاقد قانون	مجاز است
گرایش به توسعه	اتحادیه‌های اعتبار و پسرانداز بوجود آمده‌اند تا خدمات بهتری ارائه دهند. تعاونیهای کارگری در صدد پاسخگویی به مشکل بیکاری می‌باشند. تعاونیهای اجتماعی متعددی مانند: مراقبت از کودکان، تعاونیهای بهداشتی، نگهداری از سالخورگان و... تشکیل شده‌اند.	تعاونیها برخلاف رویه‌های مورد تأیید ICA عمل می‌کنند، بدنبال تأسیس اتحادیه‌های اعتبار و پسرانداز هستند.	بنگاههای اقتصادی همانند تعاونیها فعالیت می‌کنند. حمایت‌های قوی برای توسعه قانون تعاون به منظور تشکیل تعاونیهای مورد تأیید ICA وجود دارد.	تعاونیهای مورد تأیید ICA پس از مبارزه با شهرت نامطلوب خود به عنوان بنگاههای تحت کنترل دولت، تجدید حیات نموده‌اند. تعاونیهای سبک نوین تشکیل شده‌اند تا اثرات ناشی از بلایای طبیعی را کاهش دهند. سریع‌ترین رشد مربوط به بخش اعتبار و پسرانداز شهری است.
قوی‌ترین رشته فعالیت در تعاونیها	خدمات مالی، بیمه کشاورزی بازاریابی و مسکن	کشاورزی، تهیه و توزیع، انتقال فن‌آوری	تعاونیهای کشاورزی و صنعتی	کشاورزی، پرورش حیوانات، تهیه و توزیع و بازاریابی، مصرف
مشکلات	تأمین سرمایه، حفظ (مشارکت) اعضا	تأمین سرمایه، عدم مدیریت کارآمد	تأمین سرمایه، نداشتن هویت قانونی و اجتماعی، غلبه بر شهرت نامطلوب تعاونیها نزد عموم مردم	تأمین سرمایه، غلبه بر شهرت نامطلوب تعاونیها نزد عموم مردم به عنوان بنگاههای اقتصادی دولتی، دسترسی به بازار، کمبود زیر ساختهای ملی، جمعیت کم

(خودکنترلی)

* تعاونیها به اعضای تعلق دارند که سهام آنها سرمایه‌های اصلی شرکت را تشکیل می‌دهند، اما آنها در جستجوی سایر منابع تأمین سرمایه نیز باشند به شرط آنکه هویت اصلی تعاونی مورد تهدید واقع نشود (جمع‌آوری سرمایه)
* توسعه همکاریها می‌تواند نقش مهمی در رشد تعاونیها ایفا نماید، به ویژه در صورتی که شرکاء تعاونیها

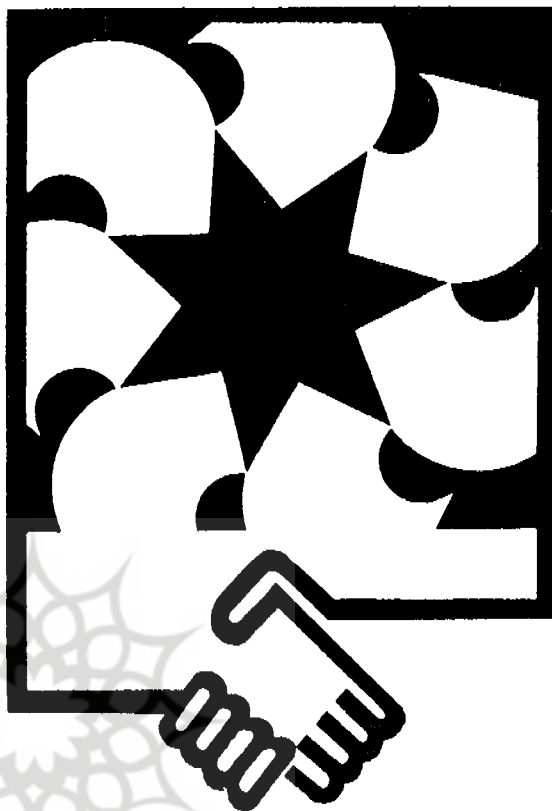
ماهیت تعاونی را به رسمیت بشناسد و در چارچوب مشخصی فعالیت نمایند (توجه همکاریهای رسمی)
اتحادیه تعاون کانادایی همکاری خود با اتحادیه بین‌المللی تعاون ادامه خواهد داد و از کوششهای ICA برای انجام تغییرات در این منطقه حمایت خواهد کرد.

نقش دولت

دولتهایی که دارای اقتصاد در حال

گذار در آسیا می‌باشند، رویکردهای متفاوتی را در سالهای اخیر نسبت به توسعه تعاونیها اتخاذ نموده‌اند. سطح گسترش تعاونیها و منزلت قانون تعاون در کشورها با توجه به سیاست دولتها در تداوم اقتصاد متمرکز با اقتصاد بازار آزاد، تفاوت می‌کند. تعاونیهای مورد نظر اتحادیه بین‌المللی تعاون از جایگاه قانونی در کشور چین برخوردار نیستند و به نوعی دوران آزمایش و

از عهده‌دار شدن انجام فعالیت‌های خاص و فضای اقتصادی و فیزیکی که در آن فعالیت می‌نمایند، به آنها تحمیل می‌گردد. بنابراین یک نوع رده‌بندی مناسب کلیه تعاونیها نیست. قانون باید به اندازه کافی انعطاف داشته باشد تا مناسب ماهیت منحصر به فرد تعاونیها باشد. قانون تعاون کنونی مغولستان؛ حداقل تعداد اعضا برای تشکیل تعاونی را ۹ نفر تعیین نموده است، هرچند که این تعداد زیاد نیست، اما در نقاط روستایی یافتن ۹ نفر با ذهنیت‌های مشابه که ظرفیت و میل به تشکیل تعاونی داشته باشند، مشکل به نظر می‌رسد. در مورد تعاونیهای صنعتی یا تعاونیهای کارگران که فعالیتها مبتنی بر تخصص اعضا می‌باشد. تشکیل تعاونی با گروههای کوچکتری از افراد مناسبتر می‌باشد. از سوی دیگر، یک تعاونی یا اتحادیه اعتباری که متکی به پسرانداز اعضا می‌باشد، نیاز به عضویت اعضای زیاد و مختلف دارد تا بتواند به نحو مؤثری خدمت ارائه نماید. موضوع کمی تعداد اعضا می‌تواند از طریق تغییرات قانونی حل شود و موضوع انجام فعالیت‌های مؤثرتر می‌تواند به وسیله آموزشهای عملی و تنظیم مقررات و آیین نامه‌ها تحقق یابد.



جدول بالا مقایسه چند شاخص تعاونی کانادا و سه کشور آسیایی را نشان می‌دهد.

در بسیاری از زمینه‌ها، تمایلی فراگیر برای انجام فعالیت‌های تجاری و مالی در قالب شرکت تعاونی و به شکل قساعده‌مند، وجود دارد. در سطح بین‌المللی اولویت بسیاری برای تدوین استانداردهای سنجش و قاعده‌مندی، قائل می‌گردند. هرچند که، مسأله تضمین حاکمیت دموکراتیک و شفاف نه تنها برای حفظ منافع اعضای تعاونی بلکه حفاظت از تمامیت اصول تعاون نیز بسیار مهم می‌باشد. از آنجا که دولت از درگیری فعال در امور تعاونیها اجتناب می‌ورزد؛ توجه به شفافیت در

مغولستان پیشرفته‌تر از بقیه می‌باشد. هر چند که جنبش تعاون مغولستان نیازمند ایجاد شرایط قانونی بهتری است تا بتواند تواناییهای بالقوه خود را نمایان سازد. نقش دولت در مورد تعاونیها، عبارت است از ایجاد شرایط مثبت برای قانونگذاری و تدوین سیاستهایی که تعاونیها را قادر سازد به تواناییهای بالقوه خود دست یابد و به نقش سازنده‌شان در حفظ منافع عمومی ادامه دهند. یک فضای قانونگذاری مثبت، عدم آزادی تعاونیها در حق انتخاب را به رسمیت می‌شناسد، به این معنی؛ تا هنگامی که تعاونیها به ساختار دولت وابسته‌اند، ساختار سازمانی‌شان به دلیل ضرورت‌های ناشی

تجربه را می‌گذرانند و این وضعیت مبهم، مانع جدی توسعه تعاون در این کشور است. قانون تعاون کشور ویتنام هنوز هم نقشی برای دخالت دولت در تعاونیها قائل است، اما برخی سیاستهای اجرایی به تعاونیهای مورد نظر و تأیید ICA اجازه می‌دهند در کنار تعاونیهای دولتی به فعالیت بپردازند. تغییرات ایجاد شده در قوانین، به ایجاد فرصت برای دولت به منظور در نظر گرفتن توسعه تعاونیها و شناسایی موفقیت تعاونیهای مورد نظر اتحادیه بین‌المللی تعاون، کمک نمود. قانون تعاون مغولستان، هویت مستقل تعاونیها را به رسمیت می‌شناسد و در بین این سه کشور، جنبش تعاون

دارد. افراد با توانمندیهای فردی کم اعم از سرمایه، آموزش، پول و یا وقت، اشیا و تشکیل دهندگان این تعاونیها هستند. در نتیجه، آنها اغلب برای یافتن مدیران لایق از بین اعضا با چالشهایی مواجه می‌باشند. دولت سعی می‌کند نقش خود را در ایجاد مساهزهای مدیریتی بین اعضای تعاونیها، به خوبی ایفا نماید. در برخی مناطق کانادا اعضای هیأت مدیره اتسحادهای اعتباری می‌بایست بر اساس قانون، دوره‌های آموزشی خاصی را ظرف یک سال طی کنند تا صلاحیت ادامه کار در هیأت مدیره را کسب نمایند. این شرط (طی دوره آموزشی) موجب بهبود توانمندیهای مدیران را فراهم می‌آورد. اما بار مالی سنگینی را به تعاونیهایی که به لحاظ تجاری قوی نیستند تحمیل می‌کند. حمایت از تعاونیها در قالب سیاستهای مالیاتی برای تشویق آنها به آموزش اعضایشان یا پرداخت یارانه برای کارآموزی و توسعه خدمات، می‌تواند این بار مالی را سبک نموده و نهایتاً هزینه اجرای قانون را کاهش دهد.

در بسیاری از اقتصادهای در حال گذار، تعاونیهای ثانویه (اتحادیه‌ها) و ثالث (سازمانهای عالی تعاونی یا Apex) به خودی خود، تعاونی نیستند اما در قالب سازمانهای غیر دولتی (NGO) و یا مؤسسات دولتی فعالیت می‌کنند. این سازمانهای عالی (Apex) در کشور مغولستان سازمانی غیردولتی (NGO) محسوب می‌شوند و اعضای آنها را تعاونیها و سایر شرکتهای خصوصی تشکیل می‌دهند. این وضعیت باعث ایجاد تنش بین تعاونیها و سایر شرکتهای خصوصی می‌شود زیرا انگیزه‌های مالی، نوع خدمات و همچنین قوانین حاکم بر فعالیت این دو نوع شرکت متفاوت می‌باشند و این امر به نوبه خود بر نحوه ارائه خدمات به آنها توسط سازمانهای عالی، تأثیر منفی می‌گذارد. نکته مثبت و قابل دفاع سازمانهای عالی (Apex) دولتی و



نکته مثبت و قابل دفاع سازمانهای عالی (Apex) دولتی و تعاونی، این است که اطمینان لازم را برای اجرای قوانین و سیاستها به منظور پاسخگویی به نیازهای تعاونیها، ایجاد می‌نماید. نقش دیگر این سازمانها این است که به عنوان الگویی برای اعضا به هنگام بروز مشکلات سازمانی و ساختار قانونی به ارائه خدمت می‌پردازند.



است که مفهوم اجتماع در آن، مبتنی بر روابط بین فردی است که اغلب پیرامون گروههای خانوادگی (فامیلی) شکل می‌گیرد. با عنایت به این نکته، مقررات بساید مرفقی، دارای استانداردهای اجرایی معقول و هدایتگر باشند. مقررات نباید تنبیهی باشند. بلکه باید راهکار مناسبی برای اطمینان از اجرای آنها، تدوین گردد. همانگونه که در بیانیه پکن اشاره شد: « دولت باید حد و مرز قانونی را تعیین کند، اما تعاونیها می‌توانند و باید خود را با آن تطبیق دهند.»

تعاونیها تمایل دارند که در مناطق روستایی، محبوب و موفق باشند، یعنی مناطقی که برای انتخاب و دسترسی به کالا و خدمات محدودیتهایی وجود

اداره تعاونیها از طریق تنظیم قوانین و مقررات مناسب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برقراری نظام استانداردهای اداری، مشکل‌تر از استانداردهای مالی است، اما ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. داشتن مدیران مالی کاملاً ماهر ولی بدون شفافیت لازم، بسیار خطرناک است. در تدوین استانداردهای اداره شرکت، باید جلوگیری از تضاد منافع و استانداردهای اجرایی و استعداد و ظرفیت مدیران را نیز مدنظر قرار داد. یک جنبه از تضاد منافع، مربوط به اهمیت قائل شدن برای روابط فامیلی در مدیریت و امور اجرایی شرکت تعاونی می‌باشد. این موضوع، چالش بزرگ در مناطق روستایی مغولستان

تعاونیها و IFIS می‌تواند مبنایی برای تشکیل یک اتحادیه طبیعی باشد. اگر چه کمک به تعاونیها نباید منجر به نابودی آنها شده و باعث ایجاد وابستگی جدید تعاونیها به دولت و سایر سازمانها گردد.

بسیاری از سازمانهای تعاونی مغولستان موفق به بازسازی خود بر اساس الگوهای مورد قبول اتحادیه بین‌المللی تعاون نشده‌اند، اما هنوز موفق به بازیابی خود بر اثر فقدان حمایت‌های دولتی شده‌اند. تشکلهای تعاونی در کلیه سطوح نهضت تعاون، از کمبود نقدینگی و منابع انسانی رنج می‌برند و در نبرد با تدارک خدمات برای اعضای ناشکیبا، دچار معضل می‌گردند. این وضعیت، تعاونیها را مستعد استثمار در سایه خوب، می‌نماید. مشکل اولیه تعاونیها اساساً از میزان کم سرمایه و تبلیغات برای جذب سرمایه گذار خارجی، ناشی می‌شود. عدم مدیریت صحیح می‌تواند باعث تحلیل رفتن نهضت تعاون از طریق جذب اعضایی شود که بطور واقعی به تعاون علاقمند نیستند و درک صحیح از این نهضت را ندارند و تنها به فکر اجرای فعالیتها می‌باشند. به عبارت دیگر، می‌توان آنها را مشتری نامید و نه عضو، ممکن است این وضعیت در حالتی پیش آید که مشتری‌ها به یکی از تعاونیهای موجود به پیوندند و یا یک تعاونی جدید تشکیل شود که یگانه هدف آن، اجرای یک برنامه باشد. وقتی برنامه به پایان رسید، آن اعضا و تعاونی با هدف یگانه، ناپدید می‌شوند و نتایج زیانبار آن برای بسقیه نهضت تعاون باقی می‌ماند. این برعهده دولت است که IFIS و مؤسسات بین‌المللی توسعه تعاون که از سوی IFIS فعالیت می‌نماید را آگاه سازد و سعی در تسکین عوارض ناشی از بخشودگی‌ها نماید. آموزش و تعلیم، از مهمترین عوامل توسعه پایدار نهضت تعاونی می‌باشند. آموزش و تعلیم نقش مهمی در ایجاد اطمینان از توان بالقوه



مرکز آموزش تعاون، نه تنها نقشی حیاتی در پرورش اعضای تعاونیها دارد، بلکه سطح جدیدی از همکاری بین سازمانی تعاون را ایجاد نموده و به توسعه و ارتقاء یک جنبش واقعی کمک می‌نماید.

اهداکنندگان کمک^۲ (IFIS) تعاونیها موتور محرک توسعه اجتماعی هستند و با توجه به ماهیت خود، می‌توانند سازنده اقتصاد خودکفا و جامعه مدنی باشند. اگر از جنبه توسعه به موضوع بنگریم، منفعت تعاونیها به کل جامعه می‌رسد؛ زیرا تعاونیها به ایجاد اشتغال محلی، سرمایه‌گذاری محلی، آموزش و افزایش مهارت‌های مدیران کمک نموده و از فرار سرمایه جلوگیری می‌نماید. این جنبه از فعالیت تعاونیها، موجبات جلب توجه مؤسسات مالی و اهداکنندگان کمک را به آنها به عنوان نیروی بالقوه برای اجرای برنامه‌های موردنظر، فراهم کرده است. IFIS در جستجوی راه‌های برای اجرای برنامه‌های مناسب برای تعاونیها و پاسخگویی به تقاضای سیری‌ناپذیر آنها برای ارائه خدمات می‌باشد. مؤسسات مالی بین‌المللی و اهداکنندگان کمک، از جمله تهیه‌کنندگان سرمایه تعاونیها هستند. زیرا سرمایه‌کنونی تعاونیها کمتر از مقداری است که بتواند پاسخگوی نیاز اعضای آنها باشد. اهداف مشترک

تعاونی، این است که اطمینان لازم را برای اجرای قوانین و سیاستها به منظور پاسخگویی به نیازهای تعاونیها، ایجاد می‌نماید. نقش دیگر این سازمانها این است که به عنوان الگویی برای اعضا به هنگام بروز مشکلات سازمانی و ساختار قانونی به ارائه خدمت می‌پردازند.

سرانجام اینکه دولت، باید از هماهنگی قوانین و مقررات تعاونی با سایر قوانین و مقررات در زمینه‌های اقتصادی که تعاونیها در آنها فعالیت می‌نمایند و همچنین کاربرد عادلانه سیاستهای مالیاتی در مورد تعاونیها اطمینان حاصل نماید. چالش عمده این است که قوانین را به گونه‌ای توسعه دهیم که قدرت کافی برای دفاع از منافع اعضا و عموم مردم داشته باشند و در همان حال، از انعطاف لازم برای تطبیق با تغییرات سریع جهان کنونی برخوردار بوده و بتوانند اطمینان لازم از بقای تعاونیها به عنوان مؤسساتی کارا و مؤثر، رقابتی و مرتبط با اقتصاد بازار را ایجاد نمایند. نقش مؤسسات مالی بین‌المللی و

تعاونیها برای مستقل و خودگردان ماندن دارد. و توافق بر این نکته که «تعاونیها باید تحت کنترل دموکراتیک اعضا باشد و همچنان مستقل باقی بمانند». دولت می‌تواند با اتخاذ یک چشم‌انداز بلندمدت و اطمینان از اینکه آموزش و تعلیم، مؤلفه‌های مهم هر گونه مشارکت بین‌المللی در امور تعاونیهاست، به حمایت از تعاونیها بپردازد.

۴- نقش سازمانهای بین‌المللی تعاون سازمانهای بین‌المللی مسؤول توسعه تعاونیها در اقتصاد در حال گذار، با چالشهای ویژه‌ای نظیر سطح آموزش بالا، اطلاع و آگاهی کافی و اما تجربه نسبتاً نا کافی، در مورد اعضا، روبرو می‌باشند. اعضا، خواستار نتیجه سریع و خدمات پیچیده و سطح بالا، در عین کمبود حمایت‌های زیربنایی می‌باشند. این امر، در مورد تعاونیهای مغولستان مصداق دارد، یعنی کشوری که حتی در صحرای پهناور و دور افتاده گبی^۲ چوپانان نیز دارای آنتن‌های ماهواره می‌باشند، اعضا هنوز هم اعتقاد به انجام معاملات پایاپای دارند اما از تغییر قیمت‌ها نیز اطلاع دارند.

اعضای تعاونیها ظرفیت خوبی برای کسب مهارتهای فنی مانند حسابداری و طراحی شغلی دارند اما درونی ساختن^(۲) علم مدیریت و تصمیم‌گیری، به آهستگی صورت می‌پذیرد و فراگیری آنها بسیار سخت می‌باشد. اعضای تعاونیها تمایل بیشتری به سرمایه محوری دارند تا خدمات محوری، به این دلیل است که مردم برای سرمایه‌گذاری به تعاونی می‌پیوندند و نه دریافت خدمات بهتر، این امر در مورد کشورهای مغولستان، چین و ویتنام، مصداق دارد. این موضوع آشکارا بر توانایی رشد تعاونیها اثر می‌گذارد، زیرا برخی از اعضا صرفاً بردر یافت حداکثر سود سرمایه تأکید می‌نمایند، تعاونیها برای رقابت در بازار آزاد، نیاز به دسترسی به

سرمایه‌های خارجی برای رشد خود دارند. اینها تجارب جدیدی برای مؤسسات توسعه تعاونی هستند و نیازمند اتخاذ رویکرد نوینی برای توسعه می‌باشند. در این حین، روشهای قدیمی بسیج مردم، تشویق تصمیم‌گیری مشارکتی و مبنای دموکراسی، جای نقد و بررسی دارند. مؤسسات توسعه تعاونی همانند دولتها، نیاز به اجتناب از روشهای قیم مآبانه برای جلب مشارکت واقعی و توسعه تعاونیها و نهضت تعاون دارند. این مؤسسات باید به یاد داشته باشند که تشکلهای تعاونی ایجاد شده توسط آنها نیاز به توسعه پایدار با تکیه بر اعضای خود، بویژه پس از قطع حمایت‌های آنها دارند. مرکز آموزش تعاون مغولستان، نمونه‌ای از رعایت الگوی رفتاری کارآمد در ارائه خدمات در اقتصاد بازار از طریق یک سازمان تعاونی، می‌باشد. این مرکز توسط «جامعه آلمانی همکاریهای فنی» یا GTZ^۵ تأسیس شده که هفت سازمان تعاونی مغولستان را برای تشکیل آن، گرد هم آورد، این جامعه (GTZ) در ابتدا به تعلیم مدرسان پرداخت تا هسته اصلی مدرسان تعاون را تشکیل دهند کلیه این مدرسان، عضو هفت سازمان عالی تعاون می‌باشند که با توجه به استانداردهای اتحادیه بین‌المللی تعاون، بسیار موفق بوده‌اند. اخیراً نیز تعدادی کتابدار و حسابدار تعاون، تعلیم دیده‌اند. این مرکز آموزشی، خدمات با ارزشی ارائه می‌دهد بدون آنکه هزینه‌ای را به اعضایش تحمیل نماید، مرکز مزبور، در ابتدا فاقد حمایت‌های زیربنایی، دفتر اداری، حقوق و دستمزد او ابزار و وسایل لازم بود، اخیراً، یک مدیر پاره‌وقت به استخدام آن در آمده که دستمزد او به ازای خدماتی که به نمایندگی از سایر مؤسسات ارائه می‌دهد، پرداخت می‌گردد. تأکید بر آموزش و کسب مهارتهای لازم، بجای تأکید بر ابزار و وسایل و ساختارهای اداری، موجبات رشد پایدار نهضت

تعاون را فراهم خواهد کرد. مرکز آموزش تعاون، نه تنها نقشی حیاتی در پرورش اعضای تعاونیها دارد، بلکه سطح جدیدی از همکاری بین سازمانهای تعاون را ایجاد نموده و به توسعه و ارتقاء یک جنبش واقعی کمک می‌نماید.

سازمانهای بین‌المللی تعاون، نقش میانجی و واسط را بین تعاونیها و دولت و نیز به منظور حمایت از اصول «استقلال» و «کنترل دموکراتیک»، ایفا می‌کنند. مؤسسات توسعه تعاونی، هم‌اکنون شاهد اثرات قانون‌گذاری و خط‌مشی‌های دولت بر فعالیت‌های روزمره تعاونیها و اعضای آنها می‌باشند. با عنایت به درستکاری و ماهیت مؤسسات بین‌المللی توسعه تعاون، آنها در بهترین موقعیت برای انتقال درسها و تجارب خود به سراسر مرزهای بین‌المللی می‌باشند. دولت، نیاز به تشویق و هدایت همراه با حفظ احترام دارد تا برنامه توسعه تعاونیها را در دستور کار و برنامه‌های خود قرار دهد. نهضت تعاون به قدری درگیر با مسأله رشد و حفظ بقای خود شده است که در اغلب موارد وقت و مهارت کافی برای اجرای مؤثر و سیستماتیک برنامه‌های قابل دفاع خود، ندارد. مؤسسات توسعه تعاونی می‌توانند و باید با همکاری سازمانهای تعاونی محلی، به همکاری با دولتهای محلی بپردازند. کنفرانس وزرای تعاون، نمونه‌ای از چگونگی همکاری مؤسسات بین‌المللی توسعه تعاون در حمایت معنی‌دار از تعاونیهاست.

۵- نتیجه‌گیری

کشور مغولستان دارای پیشینه‌ای افتخارآمیز و طولانی در زمینه تعاون است و اولین تعاونی مصرف آن در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد. همانند سایر کشورهای با اقتصاد در حال گذار، تعاونیهای مغولستان از تصویر منفی سالهای حاکمیت زندگی اشتراکی نسبت به تعاون، رنج می‌برند. هرچند که دولت درگیر انجام وظایف جاری خود

ساختگی و تمایز بین تعاون و تعاونی‌ها، هشیار باشند، این امر، اجتناب‌ناپذیر است که توسعه تعاونیها با استفاده از تعهد کمکه‌های خارجی امکان‌پذیر خواهد بود، اما آموزش و تعالیمی که مسؤولیتها و منافع اعضا را به کناری نهد، جای بحث و انتقاد دارد. توسعه دهندگان تعاون باید این دو بخش از بیانیه پکن را به یاد داشته باشند:

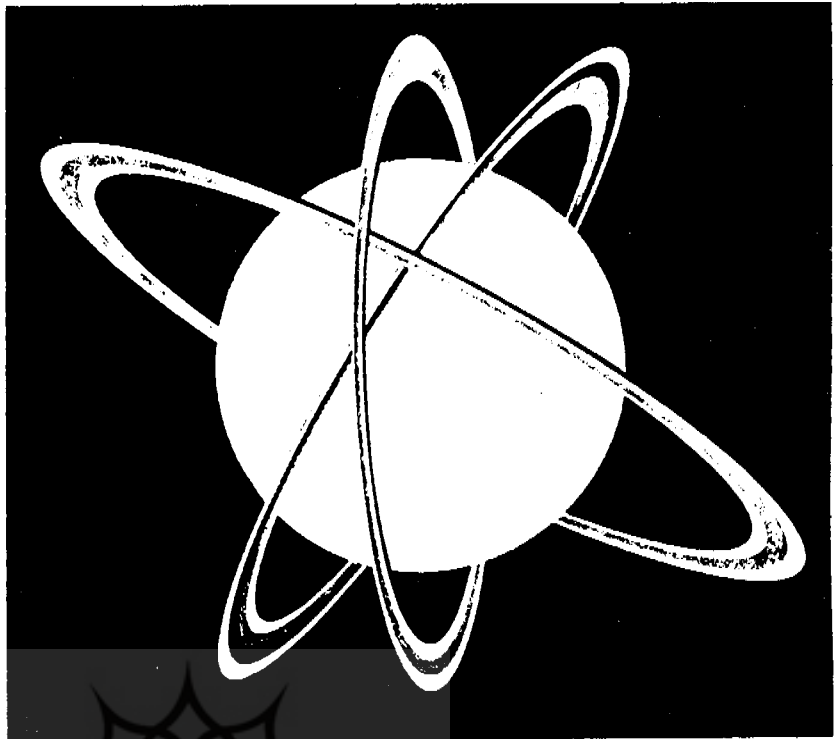
۱- تعاونیها به اعضای تعلق دارند که سهام آنها، سرمایه اولیه شرکت را تشکیل می‌دهند، اما در جهان رقابتی کنونی، آنها باید به دنبال سایر منابع تأمین سرمایه باشند به نحوی که هویت تعاونی آنها را تهدید نکنند.

۲- کمک برای توسعه تعاونیها، برای رشد آنها اهمیت دارد و هنگامی مؤثرتر خواهد بود که مساعدت کنندگان، ماهیت تعاونی را به رسمیت بشناسند و کمکه‌های خود را در چارچوب یک شبکه، ارائه نمایند.

تعاونیها پاسخی مناسب به نیازهای جمعیتی، جغرافیایی و چالشهای بزرگ جامعه مغولستان می‌باشند. انجام کار بصورت جمعی و از طریق تعاونیها در مناطق دورافتاده، یگانه راه تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز مردم می‌باشد. تشکیل تعاونیها در برخی جوامع، اصلی‌ترین نیروی اقتصادی و اجتماعی برای تشویق مردم به پرداخت مالیات می‌باشد. در واکنش به قانون‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌ها، سرمایه‌گذاری مناسبی در بخش آموزش شده و کمکه‌های مالی به تعاونیها به تقویت فعالیت آنها در جوامع، استمرار خواهد بخشید.

پرنوشته‌ها:

- 1-Desjardins
- 2- International Financial Institutions
- 3-Gobi
- 4-Internalize
- 5-Deutsche Gesellschaft Fur Technische Zusammenarbeit ●



در برخی مناطق کانادا اعضای هیأت مدیره اتحادیه‌های اعتباری می‌بایست براساس قانون، دوره‌های آموزشی خاصی را ظرف یک سال طی کنند تا صلاحیت ادامه کار در هیأت مدیره را کسب نمایند. این شرط (طی دوره آموزشی) موجبات بهبود توانمندیهای مدیران را فراهم می‌آورد.

شفافیت قانون بویژه در مورد قانون مالیاتها، عدم آگاهی عمومی و تشکلهای مالی و خدمات عمومی از تعاون و نهایتاً کمبود فرصتهای آموزشی برای مدیران، از جمله مواردی هستند که مانع فعالیت صحیح تعاونیها منفرد می‌شوند. این موارد از جمله موضوعاتی است که می‌تواند مورد توجه مؤسسات خارجی، دولت، و مؤسسات بین‌المللی توسعه تعاون و با مشارکت تعاونیها، اتحادیه‌ها و سازمانهای تعاونی، قرار گیرد.

همچنانکه IFIS و مؤسسات اهداکننده کمک، به تعاونیها همانند مؤسسات اجرایی و کانالهایی برای توزیع (کالاها و خدمات) می‌نگرند، باید نسبت به ایجاد تعاونیهای

است و کشور از شرایط نامناسب رنج می‌برد، ملت مغولستان مجدداً درصدد تشکیل تعاونیهای داوطلبانه است تا نقایص و شکاف بین ارائه خدمات و کالا توسط دولت و بخش خصوصی را بپوشاند. به استثنای تعاونیهای مالی و اعتبار، اغلب تعاونیها در مناطق روستایی تشکیل می‌شوند، یعنی مناطقی که بخش خصوصی آن را غیر اقتصادی می‌داند و دولت نیز از ارائه خدمات مطلوب به آن، عاجز است، توسعه تعاون به هنگام مقابله با کمبودها رونق می‌گیرد» یعنی هنگامی که مردم برای حل مشکلات گرد هم می‌آیند، تشکیل تعاونیها پاسخی طبیعی به این گرایش است. عدم دسترسی کسافی به سرمایه و عدم